

## آموزش کودکان در ایران با تأکید بر کودکان بازمانده از تحصیل



(گزیده‌ای از فصل هفت کتاب وضعیت اجتماعی کودکان در ایران / پیام روشنفکر/تهران: نشر آگاه، ۱۳۹۷)

ساختار نظام آموزشی ایران در سه دهه‌ی گذشته با تغییراتی اساسی روبه‌رو بوده است. تدوین سند تحول آموزش و پرورش را می‌توان جدیدترین تغییر در این حوزه دانست که به‌عنوان چارچوبی برای ایجاد تحول و ارتقای کیفیت بخش آموزش معرفی شده است. به علاوه، مقرر شده است تا برنامه‌های آتی توسعه‌ی آموزش و پرورش بر مبنای این سند تدوین شود. نظام آموزشی ایران از مهدکودک و پیش‌دبستانی شروع می‌شود و اکنون شامل یک دوره‌ی شش‌ساله‌ی آموزش ابتدایی و یک دوره‌ی سه‌ساله‌ی آموزش متوسطه‌ی اول و یک دوره‌ی سه‌ساله‌ی آموزش متوسطه‌ی دوم است. در سند ملی تأکید شده است که اکنون گروه هدف آموزش پیش‌دبستانی فقط کودکان پنج‌ساله هستند.

در برنامه‌ی «آموزش برای همه» بر آموزش پیش‌دبستانی تأکید شده است. طبق این سند، آموزش برنامه‌ریزی‌شده‌ی کودکان خردسال از چهارسالگی آغاز می‌شود و تا سن ورود به دوره‌ی ابتدایی (شش‌سالگی) ادامه می‌یابد. اما بر اساس سند تحول، در سال ۱۳۹۱، [...] ساختار نظام فعلی آموزش به صورت ۳-۳-۶ است؛ ضمن اینکه در نظام جدید آموزشی دوره‌ی پیش‌دانشگاهی وجود ندارد.

[...] در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ به دلیل حذف سیاست‌های حمایتی دولت تعداد دانش‌آموزان دوره‌ی آمادگی از ۴۷۵،۳۹۵ نفر (در سال قبل از آن) به ۴۵۹،۰۱۷ نفر کاهش یافت. در سال ۱۳۸۵ مراکز غیردولتی تنها ۳۵ درصد مراکز پیش‌دبستانی را تشکیل می‌داده است، اما در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ حدود ۱۰۰ درصد نوآموزان دوره‌ی پیش‌دبستانی تحت پوشش مراکز غیردولتی بوده‌اند. در سال ۱۳۸۵ آمار دانش‌آموزان ورودی به پایه‌ی اول ابتدایی، که دوره‌ی پیش‌دبستانی را گذرانده بودند، ۴۳/۵ درصد بود، اما بعد از اجرای سیاست خصوصی‌سازی آموزش پیش‌دبستانی، این میزان به حدود ۳۱ درصد کاهش یافت. [...]

### آمار و وضعیت کودکان بازمانده از تحصیل

گزارش آموزش برای همه سیاست‌های آموزش و پرورش و برنامه‌های کلان (مانند برنامه‌ی چهارم و پنجم توسعه) می‌کوشند تا نشان دهند که عملکرد دولت‌ها در زمینه‌ی پوشش تحصیلی موفق بوده است، اما در آخرین سال اجرای برنامه‌ی آموزش برای همه هنوز تعداد زیادی از کودکانی که در سن آموزش اجباری (۶ تا ۱۷ سال) قرار دارند، از مدرسه محروم یا طرد شده‌اند و از تحصیل بازمانده‌اند. اگرچه وزارت آموزش و پرورش آمار علمی و موثقی برای سال‌های اخیر ارائه نکرده است، بررسی‌ها نشان می‌دهد با پوشش تحصیلی مطلوب فاصله‌ی زیادی داریم.



بررسی لایحه‌ی پنجم توسعه نشان می‌دهد که کمبود پوشش تحصیلی در آموزش عمومی یکی از مهم‌ترین مشکلات آموزش و پرورش است. طبق آمار رسمی آموزش و پرورش و سرشماری سال ۱۳۸۵، از مجموع ۱۶/۳ میلیون نفر جمعیت ۶ تا ۱۷ سال، ۱۳/۱ میلیون نفر به عنوان دانش‌آموز در مراکز آموزشی تحصیل می‌کرده‌اند و ۳/۲ میلیون نفر خارج از نظام آموزشی بوده‌اند. از این تعداد، ۶۶۵ هزار نفر به مراکز آموزشی دسترسی نداشته‌اند و بی‌سواد بوده‌اند ولی بقیه‌ی آن‌ها (بیش از ۲/۵ میلیون نفر) بعد از ثبت‌نام در مدارس ترک تحصیل کرده‌اند. به گفته‌ی معاون اسبق حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش، براساس تحقیقاتی که در زمان حضور وی در آموزش و پرورش انجام شده بود، بیش از سه میلیون دانش‌آموز بازمانده از تحصیل در کشور وجود داشته است.

وی این رقم را در سال ۱۳۸۸ حدود چهار میلیون نفر تخمین می‌زند و معتقد است به معنای پمپاژ بی‌سوادی به جامعه است. [...] طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس؛ [...] در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی و ایلام، پایین‌ترین رقم جذب کودکان شش ساله را در پایه‌ی اول ابتدایی داشته‌اند. [...] به گفته‌ی استاندار سیستان و بلوچستان، ۳۳ هزار کودک بازمانده از تحصیل در مقطع ابتدایی این استان وجود دارد. این رقم احتمالاً آمار کودکانی است که با وجود اتمام شش‌سالگی نتوانسته‌اند به مدرسه بروند. تعداد زیاد کودکان بی‌شناسنامه در این استان یکی از دلایل بالا بودن این آمار است. [...]

## علل و پیامدهای بازماندن کودکان از تحصیل

عوامل مختلفی وجود دارد که موجب طردشدن کودکان یا بازماندن آن‌ها از نظام آموزشی کشور شده است. برخی از این عوامل در ساختار نظام آموزشی ریشه دارد و برخی به ساختار کلان اقتصادی اجتماعی جامعه مربوط است.

### عوامل متأثر از ساختار اقتصادی اجتماعی

بی‌شک فقر و عوامل اقتصادی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بی‌سوادی و ترک تحصیل دانش‌آموزان است، اما نقش عوامل محیطی و فرهنگی را نمی‌توان نادیده گرفت. در واقع، این عوامل اخیر در گروه‌های محروم اجتماعی بیش‌تر به چشم می‌خورد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شرایط محیطی خانه‌ها و بافت اقتصادی اجتماعی مناطق حاشیه‌ای باعث شده است مقوله‌ی «تحصیل» از اولویت‌های بسیاری خانواده‌ها حذف شود. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران، به طور خلاصه، شامل موارد زیر است:

- عوامل محیطی (مانند از دست دادن والدین)
  - عوامل خانوادگی (مانند اعتیاد والدین)
  - عوامل اقتصادی (مانند فقر مالی و اشتغال زود هنگام دانش‌آموزان برای تأمین هزینه‌ی تحصیل)
  - عوامل مربوط به مدرسه (مانند بی‌علاقگی به مدرسه و عملکرد ضعیف مدیران و معلمان)
  - عوامل مرتبط به گروه همسالان
  - عوامل فرهنگی (مانند ازدواج زود هنگام دختران و ناآگاهی خانواده از روند تحصیل فرزندان به خصوص در روستاها و مناطق محروم)
- البته در این بین، نقش عوامل اقتصادی و مدرسه بیش‌تر از بقیه است. همچنین اشتغال کودکان یکی از عوامل مهم ترک تحصیل دانش‌آموزان روستایی است، به طوری که هرچه میزان اشتغال کودکان بیش‌تر باشد، احتمال ترک تحصیل آن‌ها نیز بیش‌تر خواهد بود. شکاف بین جامعه‌ی عشایری و جامعه‌ی شهری و فضای آموزشی غیراستاندارد نیز از مهم‌ترین مشکلات آموزشی عشایر کشور است. به گفته‌ی رئیس آموزش و پرورش عشایری استان خوزستان، ۷۵ درصد فضای آموزشی عشایر این استان استاندارد نیست. استان‌های مرزی نیز به دلایل خاصی با مشکل ترک تحصیل دانش‌آموزان مواجه‌اند. معاون سیاسی اجتماعی استانداری خوزستان دوزبانگی این استان را یکی از دلایل این مشکلات ذکر کرده است.
- مشکلات دانش‌آموزان حاشیه‌ی شهرها و روستاها، به خصوص کودکان کار و کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست، به‌علاوه‌ی نبود سازوکاری مناسب برای کمک به کودکان کار و خانواده‌های محروم و فقیر، از عوامل مؤثر در بازماندن کودکان از آموزش است.

## عوامل متأثر از ساختار نظام آموزشی

موارد زیر از جمله عوامل متأثر از ساختار نظام آموزشی هستند:

- نابرابری آموزشی (مانند دسترسی نداشتن به امکانات آموزشی با کیفیت و رایگان)
  - رعایت نشدن استانداردهای آموزشی در مناطق محروم و حاشیه‌ای
  - درس‌ها و مطالب غیر کاربردی
  - خصوصی‌سازی و نبود حمایت دولتی از آموزش پیش‌دبستانی که منجر به کاهش سطح پوشش آموزش پیش‌دبستانی، به خصوص در روستاها، شده است.
  - ناهماهنگی داخلی و ناهماهنگی بین دستگاه‌ها
  - دسترسی نداشتن کودکان مناطق محروم به خدمات آموزشی
  - نبود سیاست‌های مدون و مشخص
  - نبود امنیت شغلی مربیان دوره‌ی پیش‌دبستانی
  - نبود رصد و پایش سطح پوشش تحصیلی
  - وجود تبعیض در دستمزد معلمان دوره‌های مختلف
- [...] به عبارت دیگر نبود آموزش باکیفیت می‌تواند در کاهش سطح پوشش تحصیلی مؤثر باشد.



در این باره می‌توان با ایجاد و تقویت نهادهای مستقل و ناظر آموزشی درون و بیرون مدارس عملکرد نظام آموزشی را پایش و ارزشیابی کرد. انجمن اولیا و مربیان، شورای دبیران، شورای دانش‌آموزی و تشکلهای مستقل صنفی و آموزشی ظرفیت‌های مستقل و مناسبی برای نظارت بر آموزش و پرورش دارند.

یکی از مهم‌ترین علل بی‌سوادی یا ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع دبیرستان چیزی نیست جز ساختار نامناسب آزمون سراسری (کنکور). رسوخ مدرک‌گرایی و اصالت‌بخشیدن به مدرک تحصیلی و غفلت از آموزش مهارت‌های مورد نیاز بازار

کار از نتایج منفی کنکور بوده است. غلبه‌ی کنکور بر حوزه‌ی آموزش، تکنیکی و کالایی شدن آموزش موجب شده است تنها افرادی که قادر به خرید این خدمات‌اند چشم‌انداز بهتری برای ادامه‌ی تحصیل داشته باشند و در مقابل افراد محروم به شکلی پنهان از ساختار آموزش و مدرسه طرد شوند. دانش‌آموزان مناطق محروم چشم‌انداز روشنی از آینده ندارند و تصور دستیابی به یک زندگی موفق بر پایه‌ی تحصیلات دانشگاهی برای اکثر آن‌ها غیرممکن یا خارج از توان‌شان است.

## پیامدهای ناشی از ترک تحصیل کودکان

طبق پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک، دولت‌ها باید زمینه‌ی رشد، سلامت، خلاقیت، امنیت و آموزش کودکان را فراهم کنند. ماده‌ی ۶ این پیمان‌نامه بر حق رشد کودکان تأکید دارد. [...] ماده‌ی ۲۹ این معاهده هدف آموزش و پرورش را رشد دادن شخصیت و توانایی کودکان به کامل‌ترین شکل ممکن می‌داند. ماده‌ی ۳۱ آن بر حق بازی کردن کودکان تأکید دارد و ماده‌ی ۳۲ آن اشتغال کودکان را ممنوع کرده است. بنابراین، بازماندن کودکان از تحصیل به معنای تضییع حقوق آن‌هاست. [...]

تلاش برای کاهش یا به حداقل رساندن ترک تحصیل دانش‌آموزان، گذشته از کاهش آسیب‌های اقتصادی، باعث کاهش مشکلات روانی و اجتماعی در جامعه و تقویت سرمایه‌های انسانی کشور می‌شود.

دسترسی به آموزش یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌ی انسانی است، هرچند توانایی خواندن و نوشتن در سطح ابتدایی لزوماً به معنای رشد این شاخص نیست. نوجوانانی که مجبورند نقش‌ها و رفتارهای بزرگسالان را از خود نشان دهند (مثل با اشتغال زود هنگام) در بزرگسالی با مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند. هرچه نوجوانان آموزش بیش‌تری دریافت کنند، بهتر می‌توانند در بزرگسالی با مسائل زندگی روبه‌رو شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تبعات ناشی از بی‌سوادی و تحصیلات پایین در زندگی آینده‌ی کودکان تأثیر مستقیم دارد. طبق این پژوهش‌ها، افراد بی‌سوادی و کم‌سوادی بیش‌تر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. برای نمونه، میزان ارتکاب به جرم در افراد بی‌سوادی بیش‌تر از افراد باسوادی است. اقدام به خودکشی در افرادی که تحصیلات پایینی دارند بیش‌تر است. همچنین، سطح تحصیلات والدین کودکان آزر دیده معمولاً پایین‌تر از والدین دیگر است. از طرفی ترک تحصیل دانش‌آموزان زمینه‌ساز افزایش جمعیت بی‌سوادی در آینده است. هرچه میزان تحصیلات والدین پایین‌تر باشد، احتمال موافقت‌شان با کار کودک و مخالفت‌شان با ادامه‌ی تحصیل کودک بیش‌تر می‌شود. سوادی آموزشی در بزرگسالی نیز نیازمند امکانات فرهنگی و اجتماعی مناسب است و بازگشت این افراد به نظام آموزشی بار مالی زیادی برای دولت دارد. نمی‌توانی به توسعه‌ی انسانی جامعه‌ای امیدوار بود که کودکانش مجبورند به بازار کار بپیوندند، زیرا سرمایه‌گذاری انسانی - که پیش‌درآمد توسعه‌ی انسانی است - در آن به حد کافی وجود ندارد و آن جامعه نمی‌تواند نیروی کار ماهر و متخصص را برای خود فراهم آورد.

### فعالیت‌ها و عوامل مؤثر بر پوشش تحصیلی مطلوب

[...] مطابق با ماده‌ی ۲۸ پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک، کشورهای عضو متعهد می‌شوند تا آموزش ابتدایی رایگان و اجباری را برای همه‌ی افراد جامعه مهیا کنند و برای کاهش ترک تحصیل دانش‌آموزان اقداماتی انجام دهند.

[...] بند ۳ اصل ۳ و اصل ۳۰ قانون اساسی دولت را موظف می‌کند تا امکان استفاده‌ی رایگان از آموزش و پرورش و تربیت‌بدنی را تا پایان دوره‌ی متوسطه برای همگان فراهم کند. ماده‌ی ۱۴۳ برنامه‌ی سوم توسعه نیز دولت را موظف به رفع تبعیض از مدارس روستایی می‌کند. [...] بر این اساس، در سال ۱۳۸۰ کارگروه ملی برنامه‌ی آموزش برای همه تشکیل و در سال ۱۳۸۳ سند ملی آموزش برای همه در هیئت دولت تصویب شد. می‌توان قوانین متعددی را در زمینه‌ی برقراری عدالت آموزشی از نظر جنسیتی و منطقه‌ای و رفع محرومیت‌های آموزشی، حمایت از کودکان و نوجوانان، حمایت از حق تحصیل کودکان، ریشه‌کنی بی‌سوادی در کشور، الزامی بودن آموزش تا پایان دوره‌ی راهنمایی و غیره نام برد که همگی به ارتقای پوشش تحصیلی توجه دارند. [...] شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۰ سند تحول بنیادین نظام آموزشی را تأیید کرد. از تاریخ ابلاغ این سند تمام مصوبات و سیاست‌های قبلی، در صورت مغایرت، منسوخ و بلااثر و در سایر موارد باید بازنگری و اصلاح می‌شد. عدالت کمی و کیفی آموزشی، به ویژه در مناطق توسعه‌نیافته و روستایی و عشایری، یکی از اصول و رویکردهای برنامه‌ی راهبردی معاونت ابتدایی برای دستیابی به عدالت آموزشی در سند تحول است. [...]

اما صرفاً وجود برنامه و آیین‌نامه برای تحقق اهداف کافی نیست. پژوهشی در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که بسیاری از شاخص‌های سنجش وضعیت تحصیلی برنامه‌ی چهارم توسعه تا پایان سال ۱۳۸۸ محقق نمی‌شود. برای نمونه، نبود حمایت دولتی و هزینه‌ی بالای تحصیل از نظر خانواده‌ها جدی‌ترین مانع برای گسترش پوشش تحصیلی در دوره‌ی پیش‌دبستانی است.



در دوره‌ی ابتدایی و متوسطه‌ی اول نیز عوامل مختلفی باعث ناکامی برنامه‌ها و سیاست‌ها می‌شود؛ از جمله، نبود سامانه‌ی جامع آماری برای شناسایی و ردگیری کودکان لازم‌التعلیم، پراکندگی یا صعب‌العبور بودن برخی مناطق و وجود موانع سنتی و فرهنگی برای تحصیل دختران. مهم‌ترین عوامل بازدارنده‌ی دانش‌آموزان در مقطع متوسطه‌ی دوم نیز عبارت است از نیاز خانواده‌ها به نیروی کار و پراکندگی روستاها.

[...]

به این ترتیب برای حل معضل کودکان بازمانده از تحصیل نیازمند اقداماتی مؤثر هستیم. برای مثل، باید بودجه‌ای مناسب برای این حوزه در بودجه‌ی سالیانه‌ی آموزش و پرورش پیش‌بینی شود. همچنین، دولت نباید از مسئولیت اجتماعی خود در آموزش عمومی رایگان طفره برود و انتظار داشته باشد که وظایفش را سازمان‌های مردم‌نهاد انجام دهند.



برنامه‌های کنونی دولت برای خصوصی‌سازی خدمات آموزشی و سازوکارهای آن در تضاد با اسناد و قوانین بالادستی و برنامه‌هایی است که با رفع بی‌سوادی و کاهش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل ارتباط دارد. بنابراین، رویکرد متناقض خصوصی‌سازی آموزش می‌تواند یکی از جدی‌ترین مشکلات حوزه‌ی سیاست‌گذاری آموزشی باشد. اگرچه دولت مدعی ریشه‌کنی بی‌سوادی و بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل به مدرسه است، همچنان شاهد افزایش تعداد مدارس پولی هستیم. اقدامات دولت در چند سال گذشته عملاً هزینه‌ی تحصیل را بالا برده است. از جمله، اجرای سیاست خرید خدمات آموزشی از مراکز خصوصی و حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه‌ی آموزش و طرح فروش مدارس با موقعیت تجاری. در واقع، دولت صرفاً به‌دنبال سیاست‌هایی است تا بار مالی نداشته باشد.

اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی آموزش عمومی از طرف دولت (که آن را گسترش مشارکت‌های مردمی می‌نامد) اقدامی برای کاهش مسئولیت دولت در این حوزه است. برای نمونه، در طرح پیشنهادی دولت برای تأسیس و اداره‌ی مدارس و مراکز آموزشی غیردولتی بر حمایت از بخش خصوصی در قالب تأسیس صندوق حمایت از توسعه‌ی مدارس غیردولتی تأکید شده است.

از آنجایی که کاهش حمایت‌های دولتی باعث افزایش طردشدن و بازماندن کودکان از مدارس می‌شود، به نظر می‌رسد با ادامه‌ی روند خصوصی‌سازی و تأکید بر خرید خدمات آموزشی در پیش‌نویس ششم توسعه، تعداد بیش‌تری از کودکان به دلیل فقر مالی از نظام آموزشی حذف شوند. از طرفی، سند تحول، به‌عنوان مبنای آموزش در ایران، از نظر رویکرد عدالت‌خواهانه نسبت به حوزه‌ی آموزش کاستی‌هایی دارد. در نتیجه، نادیده گرفتن آزادی و تنوع دانش‌آموزان، برجستگی بیش‌ازحد دغدغه‌های ایدئولوژیک و نادیده گرفتن شرایط زندگی و تحولات اجتماعی ممکن است به ناکارآمدی و ناکامی این سند بینجامد.

### شنیدن صداهای خاموش و رفع موانع پژوهش

آمار رسمی مربوط به وضعیت کودکان بازمانده از تحصیل تنها آن دسته از کودکان لازم‌التعلیمی را دربرمی‌گیرد که از نظر رسمی و قانونی شایستگی برخوردار از حق تحصیل را داشته باشند. در نتیجه، کودکان مهاجر (به‌خصوص کودکان افغان) و کودکانی که به هر دلیل شناسنامه ندارند، در این آمار گنجانده نمی‌شوند. لذا، هر برنامه و سیاستی که به‌دنبال کاهش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل است، باید ابتدا برای شناسایی و ردگیری همه‌ی این کودکان اقدام کند. بر این اساس، وزارت آموزش و پرورش باید زمینه‌ی پژوهش را برای پژوهشگران مستقل فراهم کند. تجربه نشان می‌دهد که این وزارتخانه آمار و اطلاعات خود را به‌سختی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد و در مواردی حتی از ارائه یا انتشار این آمار جلوگیری می‌کند. یکی از مشکلات و موانع این پژوهش‌ها نبود دسترسی به منابع و آمار جدید درباره‌ی کودکان بازمانده از تحصیل است. مسئولان معمولاً اطلاعات شفافی ارائه نمی‌کنند؛ یعنی وقتی از تعداد کودکان بازمانده از تحصیل سخن می‌گویند، دقیقاً مشخص نیست منظورشان چه کودکانی است: آن‌هایی که از پایه‌ی اول جامانده‌اند یا کودکانی که در سن مدرسه‌اند، ولی به مدرسه نمی‌روند.

تجربه‌ی نگارنده، به‌عنوان معلم، در مناطق حاشیه‌ای و مهاجرنشین و محروم نشان می‌دهد که در پنج سال گذشته روند ترک تحصیل کودکان در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم روبه‌رشد بوده است. از طرفی، در سال‌های اخیر تعداد بیش‌تری از کودکان مهاجر افغان بعد از ترک تحصیل از ایران مهاجرت کرده‌اند. این‌ها مواردی است که هر کدام به‌تنهایی نیازمند پژوهش و بررسی جداگانه‌ای است.

